یادکردی از سردار شهید محسن وزوایی که ۱۰اردیبهشت سال ۶۱ آسمانی شد

خون فاتح «بازی دراز» راهگشای فتح خرمشهر شد

■ زهرا محمدزاده

محسن وزوایی در جبهه جنوب شهید شد، اما کوه‌های غرب کشور او را بیشتر می‌شناختند. محسن فاتح قله بازی دراز بود. دانشجوی پیرو خط امام که مبارزاتش را از دوران ستم‌شاهی آغاز کرده و با تسخیر لانه جاسوسی به اوج رسانده بود. جوان نخبه‌ای از محله نظام‌آباد تهران که سال ۱۳۳۹ در همین محله به دنیا آمد و ۱۰اردیبهشت ۶۱ در جاده اهواز- خرمشهر به شهادت رسید.

شهید وزوایی نفر وسط

دهم اردیبهشت ۶۱ اولین روز از عملیات الی‌بیت‌المقدس شروع شد. محسن وزوایی در این عملیات فرمانده یکی از محورهای عملیاتی تیپ ۲۷ را برعهده داشت. او پیشتر فرمانده گردان حبیب‌ابن‌مظاهر در همین تیپ بود، اما شاید کمتر کسی بداند که وزوایی اولین مؤسس تیپ سیدالشهدا(ع) هم به شمار می‌رود. وقتی که حاج داود کریمی فرمانده سپاه منطقه ۱۰کشوری (تهران) تصمیم گرفت یک تیپ دیگر از شهرهای اطراف تهران تشکیل بدهد، وزوایی به فرماندهی آن برگزیده شد، اما وقتی به دوکوهه آمد، در صحبتی که با حاج احمد متوسلیان داشتند، قرار شد این تیپ فعلاً تشکیل نشود و شهید وزوایی و هسته اولیه تیپ سیدالشهدا(ع) به عنوان یکی از گردان‌های تیپ ۲۷ وارد عملیات فتح‌المبین شوند.

شهید وزوایی پیش از حضور در جبهه جنوب، کارنامه درخشانی در جبهه‌های غرب کشور داشت. او و نفراتی چون شهیدان پیچک و محسن حاجی بابا در غرب کشور بسیار موفق عمل کرد و در اردیبهشت سال ۶۰ قله مرتفع بازی دراز را فتح کردند. بازی دراز همان قله‌ای بود که شهید بهشتی نیز به رزمندگان مخلص حاضر در آن منطقه رشک برده و گفته بود: «بازی دراز خانقاه عاشقان است.»

شهید وزوایی روحیات خاصی داشت. وقتی در عملیات بازی دراز مجروح شد و او را برای درمان به بیمارستان منتقل کردند، پزشکان از تحمل درد او بسیار شگفت‌زده شده بودند. وی پس از بهبودی به جبهه جنوب رفت و ماجرای تشکیل تیپ سیدالشهدا(ع) و ادغام آن در تیپ۲۷ پیش آمد. در اینجا اتفاق جالبی بین شهید وزوایی و حاج احمد متوسلیان رخ داد که شرح آن را رزمندگانی چون عباس برقی تعریف کرده‌اند. گویا در یک مقطع از آموزش نیروها، حاج احمد نسبت به بازگشت پیش از موعد گردان شهید وزوایی اعتراض و به عنوان فرمانده تیپ، شهید وزوایی را تنبیه می‌کند، اما وزوایی مقابل نیروهایش از انجام تکلیف تنبیه سرباز می‌زند و بحثی بین او و حاج احمد پیش می‌آید که نهایتاً به صلح و صفا ختم می‌شود. آنطور که بسیاری از فرماندهان اذعان داشتند، محسن وزوایی یکی از فرماندهان صاحب‌نظر و هوش بسیار در امر فرماندهی جنگ بود. او اگر در همان سال‌های اول جنگ به شهادت نمی‌رسید، قطعاً می‌توانست در دیگر آوردگاه‌های دفاع مقدس، خوش بدرخشد و عملکرد خوبی داشته باشد، اما حاج محسن وزوایی که گویی شوق شهادت داشت، خیلی زود و در اولین روز از عملیات بزرگ الی بیت المقدس در جاده اهواز- خرمشهر به شهادت رسید. او در هنگام شهادت تنها ۲۲سال داشت. عباس شعف یکی از شاهدان شهادتش می‌گوید: «وزوایی را دیدم که به همراه معاون دومش حسین تقوی‌منش و بی‌سیمچی‌شان به روی زمین افتاده بودند. سعی کردم با ملایمت چفیه سیاه رنگ دور گردن آقا محسن را باز کنم و با همان چفیه صورت خاک آلودش را پوشاندم. گوشی بی‌سیم را برداشتم و به فرمانده تیپ حاج احمد متوسلیان گفتم احمد، احمد، شعف، متوسلیان: شعف، احمد بگوشم «حاج آقا، خوب گوش کن؛ آتیش سنگین؛ محرم بی‌علمدار شد. آقا محسن... آقا محسن...»

> محسن وزوایی که گویی شوق شهادت داشت، خیلی زود و در اولین روز از عملیات بزرگ الی‌بیت‌المقدس در جاده اهواز- خرمشهر به شهادت رسید. او هنگام شهادت ۲۲ ساله بود، اما کارنامه‌ای درخشان از تسخیر لانه جاسوسی گرفته تا فتح قله بازی دراز داشت

نگاه

۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۶۱ سالروز آغاز عملیات الی‌بیت‌المقدس

۴ عملیات پیروزمند در ۹ماه طوفانی جنگ

■ غلامحسین بهبودی

۱۰اردیبهشت ۱۳۶۱ یکی از موفق‌ترین و کامل‌ترین عملیات دفاع مقدس شروع شد. فتح خرمشهر یا عملیات الی‌بیت‌المقدس، پایان‌بخش دوره‌ای طوفانی در جنگ تحمیلی بود که از عملیات ثامن‌الائمه (شکست حصر آبادان) آغاز شده بود. در این دوره ۹ماهه چهار عملیات انجام گرفت که جملگی موفقیت‌آمیز بودند.

بعد از فرار بنی‌صدر در آخرین روزهای خرداد ۱۳۶۰، برای مدت کوتاهی فرماندهی جنگ به عهده شهید فلاحی گذاشته شد، اما با شهادت او در هفتم مهر ۱۳۶۰، سپاه و ارتش به صورت مشترک فرماندهی میدانی جنگ را بر عهده گرفتند. دو فرمانده که آن زمان هر دو جوان و پر از انگیزه بودند، دوره فرماندهی مشترک یا اتحاد بین ارتش و سپاه را مدیریت می‌کردند.

اگر فرض بگیریم که دوره فرماندهی مشترک از اواسط مهر ۱۳۶۰ شروع شده باشد، سپهبد شهیدصیاد شیرازی فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش در همان مهر ۱۳۶۰ و پس از شهادت فلاحی و انتخاب تیمسار ظهیرنژاد به ریاست ستاد مشترک ارتش، به جای او فرمانده نیروی زمینی شد. از آن سو نیز محسن رضایی تنها یک ماه قبل، یعنی ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ فرمانده کل سپاه شده بود. به این ترتیب هر دو فرمانده یکی از ارتش و دیگری از سپاه جوانانی بودند که به تازگی ارتقا پیدا کرده و با انگیزه‌های بسیار مدیریت میدانی جنگ را برعهده گرفته بودند.

از سوی دیگر، دوره فرماندهی مشترک جنگ در حالی آغاز شده بود که جبهه ایران با شکست حصر آبادان، اولین پیروزی بزرگ دفاع مقدس تا آن زمان را کسب کرده بود. با توجه به بازیابی روحیه رزمندگان، محسن رضایی و صیاد شیرازی طرح بلندپروازانه‌ای تحت عنوان کربلای یک الی چهار را ارائه دادند که در قالب آن علاوه بر بازپس‌گیری مناطق اشغال شده کشورمان با تصرف یک هدف عمده در خاک عراق (بیشتر بصره مدنظر بود) جنگ با فتح و پیروزی به اتمام برسد.

با مهیاشدن شرایط برای برداشتن اولین گام در طرح کربلا، دو ماه پس از شکست حصر آبادان، در عملیات طریق‌القدس یا کربلای ۱، ایران شهر بستان و مرز چذابه را آزاد کرد. با قطع شدن راه ارتباطی جبهه شمالی و جنوبی دشمن، ایران سه ماه بعد و در نوروز سال ۶۱ عملیات فتح‌المبین (کربلای ۲) را آغاز کرد و ۲۵۰۰کیلومتر از شمال خوزستان آزاد شد. سپس نوبت به آزادسازی خرمشهر رسید که شروع عملیات آن در دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ یعنی تنها یک ماه پس از اتمام فتح‌المبین بود.

فتح خرمشهر بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین عملیات ایران در دور پیروزی‌های طوفانی و شگفت‌انگیز نیمه دوم سال ۶۰ و نیمه اول سال ۶۱ بود. این عملیات بر آن بود تا با تصرف شهر بصره، یک تیر و دو نشان بزند، یعنی با نفوذ ایران به عمق خاک عراق و گرفتن شهر بصره، عقبه نیروهای عراقی مستقر در خرمشهر به محاصره درآیند و راهی جز تسلیم شدن نداشته باشند. پس در نتیجه ایران هم یک نقطه حیاتی و تأثیرگذار چون بصره را در خاک عراق تصرف می‌کرد و هم خرمشهر را آزاد می‌ساخت.

همانطور که در تاریخ دفاع مقدس شاهد بودیم، روند عملیات الی‌بیت‌المقدس واحدهایی از نیروهای خودی به مرز شلمچه رسیدند، اما مقاومت دشمن روی خط مرزی سخت‌تر از آن بود که این نیروها بتوانند به بصره دسترسی پیدا کنند. نهایتاً روی خرمشهر متمرکز شدند و این شهر پس از ۱۹ ماه اشغال آزاد شد. با آزادسازی خرمشهر طرح عملیات کربلای ۴ یا همان رمضان در دستور کار قرار گرفت، اما اینبار قرار بود نیروهای ایرانی وارد خاک عراق شوند که با توجه به حمایت‌های بین‌المللی از صدام و همین طور فروفتن ارتش عراق در لاک دفاعی و ایجاد موانع و موارد دیگر، دوره پیروزی‌های طوفانی و سریع در جنگ به اتمام رسید و دوره فرسایشی از اواسط سال ۱۳۶۱ تا ابتدای سال ۱۳۶۷ آغاز شد.

> دوره فرماندهی مشترک جنگ برعهده دو فرمانده جوان بود که هر کدام کمتر از یک‌ماه قبل ارتقا پیدا کرده بودند. صیاد شیرازی مهر سال ۶۰ فرمانده نیروی زمینی ارتش شد و محسن رضایی هم ۲۰شهریور ۶۰ فرمانده کل سپاه شد. هر دو فرمانده پر از انگیزه و ایده‌های نو بودند

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با خواهر شهیدان علی‌اکبر، عزیزالله و نورالله امین‌تبار از شهدای دفاع مقدس

علی اکبرها نمی‌رفتند خرمشهر آزاد نمی‌شد

■ صغری خیل‌فرهنگ

علی‌اکبر قبل از اعزام به خانواده گفت: «تا علی اکبرها شهید نشوند، خرمشهر آزاد نمی‌شود.» او رفت و در عملیات الی‌بیت‌المقدس شهید شد، اما شهادت علی‌اکبر پایان مجاهدت‌های این خانواده نبود. رسم ولایت‌مداری مردان دیگر خانه را راهی جبهه کرد و در نهایت سه شهید و یک جانباز ماحصل حضور دلاورانه پسران خانواده امین‌تبار شد. انسیه امین‌تبار، خواهر شهیدان علی‌اکبر، عزیزالله و نورالله با ما همراه شد تا از سیره شهدای خانه‌شان بگوید.

■ حاج حسینعلی و کلثوم خانم

پدرم حاج‌حسینعلی امین‌تبار کشاورزی زحمت‌کش بود. ایشان به همراه مادرم همیشه به دنبال رزق حلال برای خانواده در تلاش بودند. مادرم حاجیه خانم کلثوم ذکریایی در تمام سختی‌ها دوشادوش پدرمان بود. هر دو مذهبی و دوستار اهل‌بیت و قرآن بودند و ما را بسیار تشویق به فراگیری قرآن می‌کردند. با وجود اینکه تعداد خواهر و برادرهای‌مان زیاد بود، اما پدر و مادر توجه فوق‌العاده‌ای به تربیت دینی و اسلامی فرزندانشان داشتند، طوری که برای یادگیری هر چه بهتر قرآن و مفاهیم آن برایمان جایزه تعیین می‌کردند.

■ تعلیمات قرآنی

پدرم موقع نماز از ما می‌خواست تا پشت سرش بایستیم و با هم نماز بخوانیم و دائماً فرزندان را به دور خود جمع و داستان‌های پیامبران و امامان معصوم(ع) را تعریف می‌کرد. مادر هم برای تشکر از مربی قرآن مدرسه از محصولات کشاورزی که حاصل دسترنج خودشان بود، می‌برد. والدینم از پیشرفت فرزندان در یادگیری علوم قرآنی بسیار خوشحال بودند. رسم بود که هر شب قبل از خواب یک صفحه قرآن تلاوت شود و بعد به رختخواب برویم.

■ کفن‌پوشان شهید

در دوران انقلاب پدر، مادرم و علی‌اکبر که آن زمان طلبه بودند، کفن‌پوش می‌شدند و در تظاهرات شرکت می‌کردند. علی‌اکبر، پدر و مادرم را به دیدار امام‌خمینی(ره) برد و از همان زمان عشق عجیبی به امام پیدا کردند. با شروع دفاع مقدس برادرانم از ابتدای جنگ در جبهه‌های جنگ شرکت داشتند. پدر و مادرم هم هیچ‌گاه مخالف حضور فرزندانشان در جبهه نبودند؛ نهایتاً سه تن از برادرها شهید شدند.

■ علی‌اکبر- خرمشهر

اولین شهید خانواده علی‌اکبر امینی‌تبار، متولد سال ۱۳۳۶ بود. علی‌اکبر از قم اعلامیه‌های امام، عکس و نوار سخنرانی را به فریدونکنار می‌آورد و بین جوانان شهر و انقلابیون پخش می‌کرد. بعد از انقلاب معلم شد و در یکی از مدارس روستاهای بابلسر مشغول به کار شد. علی‌اکبر متأهل بود و یک فرزند به نام حنظله از ایشان به یادگار مانده است. حنظله در زمان شهادت پدر فقط هشت ماه داشت و برادرم قبل از اعزام به عملیات الی‌بیت‌المقدس به خانواده‌اش گفته بود: تا علی‌اکبرها شهید نشوند، خرمشهر آزاد نمی‌شود.

■ عزیزالله- عین خوش

دومین شهید خانواده‌مان شهید عزیزالله متولد ۱۸آبان سال ۱۳۴۱ بود. عزیزالله بعد از انقلاب به فرمان امام‌خمینی که بسیج تشکیل شد، حضور فعالی داشت و به عنوان بسیجی از سپاه بابلسر مازندران به منطقه جنوب اعزام شد. او در جبهه تک تیرانداز بود و در ۱۱آبان ۱۳۶۱ در منطقه عین‌خوش در اثر اصابت ترکش به شکم به شهادت رسید. برادرم قبل از آخرین اعزامش عکسی به یادگار گرفت و به ما گفت: این عکس را خوب نگهدارید، چون آخرین عکس من است.

■ نورالله- والفجر ۸

سومین شهید خانواده نورالله بود. او برادر کوچک‌تر ما و متولد سال ۱۳۴۳ بود. ایشان چندین بار به جبهه اعزام شد و هر بار به سلامت برمی‌گشت. یک روز وصیتنامه‌اش را آورد و تکه‌تکه کرد و به شوخی گفت: فکر می‌کنم این وصیتنامه مقصر است که من شهید نمی‌شوم. کمی بعد در ۲۱بهمن ۱۳۶۴ در اروند به شهادت رسید.

شوخ طبعی نورالله به حدی بود که یکی از همرزمانش برایمان تعریف می‌کرد: نزدیک اروند کنار بودیم که ناگهان خمپاره‌ای نزدیک‌مان منفجر شد. همه ما روی زمین خوابیدیم. بعد از آرام‌شدن اوضاع همه بلند شدیم غیر از نورالله. گفتیم بلند شو نورالله، دیدیم بلند نمی‌شود. رفتیم به او لگدی زدیم و گفتیم، بلند شو مسخره‌بازی و شوخی بس است، ولی دیدیم باز هم تکان نمی‌خورد. برگرداندیمش و دیدیم از شدت جراحت ترکش‌های متعدد شهید شده است.

> علی‌اکبر و والدین‌مان کفن‌پوش در تظاهرات انقلابی شرکت می‌کردند. بعد از انقلاب، علی‌اکبر پدر و مادر را به دیدار امام‌خمینی(ره) برد و از همان زمان آنها عشق عجیبی به امام پیدا کردند

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۴۷۳

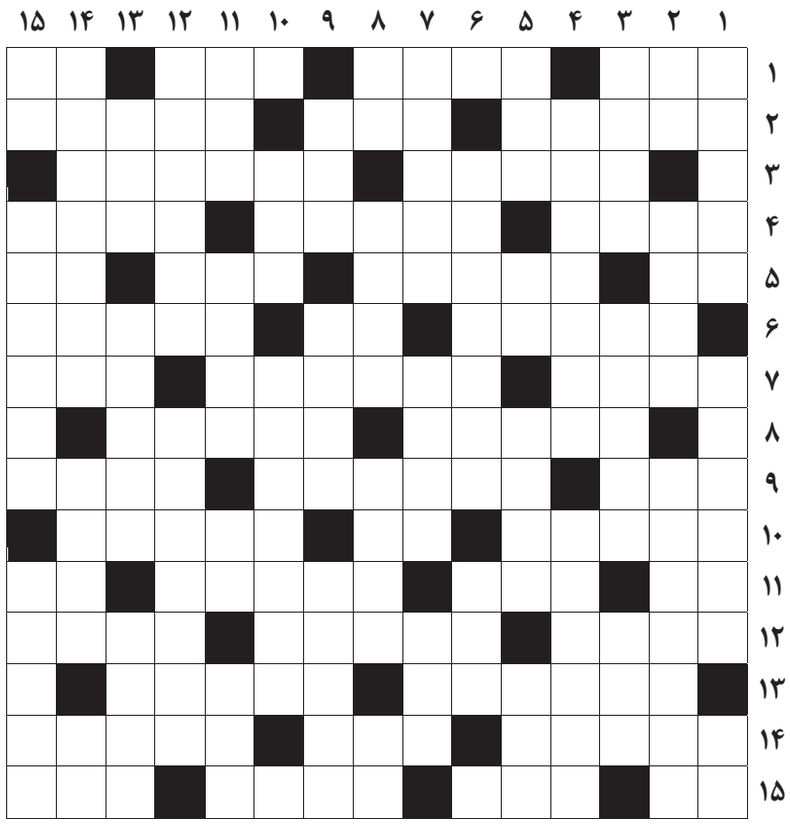

از راست به چپ

■ ۱- درجه هدفگیری برای توپخانه - ستاره روشن - بادی که از سمت مشرق می‌وزد - خاندان ■ ۲- همراه کت - از مواد لبنی - بازتاب ■ ۳- کاپیتان انگلیسی که برای اولین بار قطب جنوب را کشف کرد - باتلاق ■ ۴- خانه آذری - از اقوام ساکن در سری‌لانکا - داخل شدن ■ ۵- ضمیر انگلیسی - شهرستان - راهنما - آش ■ ۶- هنرپیشه نقش های کمدی - برات؛ چک - جمع نفس ■ ۷- نکند دانا ... نخورد عاقل می - از گیاهان دارویی که به عنوان مسهل و مسکن به کار می رود - پدر آذری ■ ۸- مدافع سابق استقلال - غذای ظهر ■ ۹- درختی شبیه درخت ترنج - عدم پرداخت به موقع اقساط بانکی - ندادهنده غیبی ■ ۱۰- نادانی و بی خردی - بز کوهی - مادر ■ ۱۱- تکرارش درخت صدای الاغ است - سازمان جدایی طلب باسک اسپانیا - ماکت فرهنگستان - کلمه شگفتی ■ ۱۲- از آلات موسیقی - حل شده - از فروع دین ■ ۱۳- سیاره مشتری - از تأمین کننده‌های آب تهران ■ ۱۴- خوشگذرانی - ناسیونال - پدر فریدون ■ ۱۵- یار کارتونی پت - هدر دادن - سعی - شش

از بالا به پایین

■ ۱- افتتاح - بازگشت - عمو ■ ۲- نقش تئاتری - پماد ضد سردرد - بیماری التهاب بافت حنجره ■ ۳- محصول زلزله - هوشیار - مار خطرناک ■ ۴- کارگاه فیلمسازی - حیوان کندرو آبی و خاکی ■ ۵- از گناهان کبیره - قدم یک پا - اصلاح و ویرایش متن - سال آذری ■ ۶- قتل از روی ترحم - پیروان یک دین ■ ۷- از پسران چنگیز - مجموعه‌ای از سرگرمی‌ها را ارائه می‌دهد - گرداگرد کعبه و اماکنِ مقدس ■ ۸- پنج آذری - توصیف شده - درجه نظامی محمدتقی خان پسیان - طایفه کریمخان ■ ۹- فروش بازاری - ضربه‌ای در فوتبال - آقای فرانسوی ■ ۱۰- بازداشت کردن - تولید مثل ■ ۱۱- پایتخت سوئیس - دادگاه معروف - ضمیر اشاره - جسد حیوان مرده ■ ۱۲- اضافه کردن - از اصطلاحات قرآنی است و مقصود از آن پیروان دین هایی هستند که پیامبران آن دین کتابی آورده اند و از سوی خدا به آنها وحی شده است ■ ۱۳- از شهرهای استان فارس - ظرفیت الکتریکی - سرآمد ■ ۱۴- بندباز - بی‌باکی - حرف دهن کجی ■ ۱۵- بی‌حال و پژمرده - دروازه‌بان معروف شوروی سابق - جلال و جبروت

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۳		۸	۹		
			۲			۷		۸
	۴	۶						
					۷	۸		۳
۱	۸							۵
	۵			۲	۴			
۷		۹						
۴		۸		۱			۵	
		۵					۶	

۸	۶	۱	۹	۷	۲	۴	۳	۵
۹	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۲
۲	۷	۵	۶	۳	۴	۹	۱	۸
۱	۸	۶	۲	۲	۷	۳	۴	۹
۴	۳	۲	۳	۹	۶	۸	۷	۱
۴	۹	۷	۸	۴	۱	۲	۲	۶
۲	۲	۴	۱	۸	۹	۶	۲	۷
۷	۲	۸	۴	۶	۲	۱	۹	۳
۶	۱	۹	۷	۲	۳	۲	۸	۴

جدول کلمات متقاطع
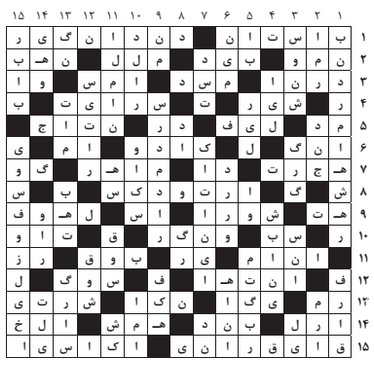
پاسخ جدول شماره ۶۴۷۲